

بررسی راهکارهای افزایش مهارت خواندن

خسرو خاوری

استادیار دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه تهران

تاریخ وصول: ۸۳/۱/۲۲

تاریخ تأیید نهایی: ۸۳/۲/۳۰

چکیده

فرایند فراگیری مهارت‌های زبان خارجی بحثی است مفصل و در ابعادی گسترده، که از دیرباز مورد نظر استادان آموزش زبان و خود زبان‌آموزان بوده است. با اشراف به این گستردگی، آنچه که موضوع بررسی این نوشتار قرار می‌گیرد، تنها اختصاص به افزایش مهارت خواندن دارد؛ زیرا سایر ابعاد این آموزش می‌تواند خود منشاء مقالات دیگر باشد. در دانشگاه‌های ایران برخورد اولیه زبان‌آموزان بزرگ‌سال با متونی است که بیشتر با رشته تحصیلی آن‌ها ارتباط دارد. این که چگونه می‌توان دانشجویان را به خواندن صحیح یک متن و درک مطلب مؤثر آن عادت داد، همواره مد نظر بسیاری از متخصصان آموزش زبان بوده است و چنین است که مهارت خواندن نه تنها حاصل کندوکاو و تجربه می‌شود؛ بلکه بیشتر از سایر مهارت‌ها، توجه و علاقه دانشجو را جلب می‌کند.

واژه‌های کلیدی: خواندن، دریافت، ارتباط، انتخاب متن، فنون یادگیری.

مقدمه

خواندن مهارتی است پذیرا و رمزگشا که خواننده با آن، پیام نویسنده را دریافته و رمزگشایی می‌کند. نویسنده با تقویت و گسترش جهان‌بینی خود از اطلاعات موجود، پیام خود را می‌آفریند و خواننده با ذکاوت، با کوشش بی‌دریغ خود به دریافت و کشف آن نائل می‌شود. گاهی اوقات، به غلط، خواندن را عملی منفعل و بی‌تحرک می‌نامند، زیرا پیام‌ها را بدان معنا که یک گوینده و یا نویسنده خلق می‌کند، نمی‌رساند. با وجود این نمی‌توان به سادگی پردازش فعال ذهن، این ساختکار پیچیده اندام انسان را برای ایجاد ارتباطی که حاصل می‌شود، فراموش کرد (مصلی نژاد، ۱۳۷۸، ص ۹).

در آموزش و فراگیری، زبان‌آموزانی که قادر به نوشتن متون در زبان مادری خودند، یعنی زبان‌آموزان بزرگسال، آموزش خواندن به مراتب حساس‌تر از آموزش نوشتن است، زیرا در نوشتار، زبان‌آموز می‌داند چه مطلبی را باید بنویسد و تصورات اولیه، در ذهن و اندیشه اوست که پا می‌گیرند. ولی در خواندن، زبان‌آموز با متنی ناآشنا روبروست که به تدریج باید از خلال واژه‌ها، کاربردشان، جمله‌ها و ارتباط میان آن‌ها دریابد که نویسنده متن چه مطلبی را در آن پرورانده است. در واقع عمل خواندن، فعالیتی زبانی است که در آن واحد غیرملموس و پیش‌رونده است و خواننده هر چه جلوتر می‌رود مطالب تازه‌تری را در می‌یابد که باید با موضوعات پیشین پیوند گیرند؛ زیرا در برابر متن، خواننده به طور منفعل دریافت‌کننده پیام نیست، زیرا برای درک یک مطلب باید فکر او نیز سازنده و فعال باشد یعنی عمل دریافت و تولید هم‌زمان انجام گیرد و این پیوند واژه‌ها با واژه‌های پیشین، عملی است که در ذهن خواننده شکل می‌گیرد. (ژان کارون، ۱۹۸۷، ص ۹۷).

بر اساس پژوهش‌های آماری به دست آمده، از میان مهارت‌هایی که زبان‌آموزان، به ویژه دانشجویان دانشگاه تهران، به فراگیری آن تأکید داشته‌اند، مهارت خواندن است. (برزآبادی فراهانی، داوود، ۱۳۸۲، صص ۱۴۷-۱۵۹).

از این رو آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد، نخست برخورد اولیه زبان‌آموزان بزرگسال با متنی است که بیشتر در ارتباط با رشته تحصیلی اوست و سپس پرداختن به این که چگونه می‌توان دانشجو را عادت به خواندن صحیح یک متن و بهره‌برداری مفید از آن داد، تا

اطلاعات لازم متن را دریابد، مسلم است که خواندن یک متن و درک مطلب آن به صورتی مطلوب، از یک سو، با اطلاعات وی در زمینه مورد بحث، و از سوی دیگر با دانش او از زبان بیگانه ارتباط تنگاتنگ دارد، ولی صحیح خواندن و بهره‌برداری دقیق از مطلب مندرج در متن نیز نیاز به مهارت‌هایی دارد که طبق نظریه متخصصان آموزش زبان، در بسیاری اکتسابی است (وایت، ۱۹۹۰، ص ۸۰) و به مرور با تمرینات کلاسی و راهنمایی‌های بجا می‌توان آن‌ها را تقویت کرد.

بحث و بررسی

مسائلی که در خواندن زبان دوم برای زبان‌آموز پیش می‌آید، با آموزش آن زبان و با معلم و نحوه آموزشی وی به طور مستقیم در ارتباط است، بخصوص این وظیفه معلم است که زبان فراگرفته توسط دانشجو و میزان اطلاعات کسب شده‌اش را ارزشیابی کند. در بیشتر امتحانات میان ترم یا پایان ترم، این زبان نوشتاری است که ارزشیابی می‌شود، در صورتی که یکی از اهداف آموزش زبان خارجی این است که زبان‌آموز در برخورد با خواندن متون، دچار مشکل نشده و قادر به درک آن‌ها باشد، یعنی توانایی خواندن و درک در او پرورش یابد. منظور از خواندن هم تنها خواندن و درست تلفظ کردن نیست، بلکه درک مطلب بخش عمده پرورش توانش خواندن است.

در عمل خواندن گاهی یک گذر سریع از متنی صورت می‌گیرد که در آن خواننده در واقع به سرعت از متن عبور کرده، واژه‌های کلیدی آن را به خاطر می‌سپارد.

معمولاً این نوع گذر از متن، ویژه خوانندگانی است که به زبان تسلط کامل دارند، هر چند در واقع نگاهی سطحی به متن است. نوع دیگر خواندن گذر از واژه‌ای به واژه دیگر است، بی‌آن که به حدس‌ها و فرضیاتی که در فکر آن خواننده تولید و بی‌درنگ رها می‌شوند، توجه شود. طبق گفته اکو (اکو، ۱۹۸۵، ص ۵۴) «این فرضیات فرار مسیری از بی‌حسی‌های ممتد کلمات را در ذهن خواننده به وجود می‌آورند، بدین معنا که هر فرضیه‌ای، بطور مطلق جای خود را به فرضیه بعدی نمی‌دهد، بلکه موقتاً حذف می‌شود و پس از آن بار دیگر دوباره فعال می‌شوند. در واقع این شیوه خواندن که در هر خواندن با آن مواجه‌ایم، خواندنی تکاملی است

که در برخورد با هر واژه، برای درک مفهوم آن، اندکی تأمل می‌کنیم. این شیوه خواندن، خواندن غیرارادی و ماشینی نیست، زیرا برای دستیابی به نتایج رضایت‌بخش، خواننده می‌بایست از اطلاعات واژه‌ای، فرهنگی و پیشین خود در باره متونی با موضوعات مشابه، بهره بگیرد».

در چنین برخوردی با متن، خواننده همان تلاشی را در فهم مطالب دارد که نویسنده در یافتن واژه‌ها برای پروراندن مطلب، یعنی خواننده در موقعیت نویسنده متن قرار می‌گیرد و باید سعی کند در چارچوبی ویژه، مفاهیم لازم را به واژه‌ها بدهد، مفاهیمی که نباید مجزا از کل متن باشند با این یادآوری که هر چه خواننده در متن پیش‌تر می‌رود، وابستگی به واژه‌ها و مفاهیم پیشین فزونی می‌یابد. این نوع خواندن، در واقع برخورد صحیح با متن و دریافت صحیح مندرجات آن است.

در حال حاضر در بسیاری از کشورها، آموزش ترجمه و تربیت مترجمان شفاهی و کتبی، مسئله خواندن و درک مطلب یکی از اساسی‌ترین جنبه‌های آموزش است که به‌طور گسترده در برنامه‌های درسی گنجانده می‌شود (با سنت مک‌گایر، ۱۹۸۰، ص ۱۲۶)، بدین معنا پیش از آن‌که زبان‌آموزان را به سوی ترجمه سوق دهند، باید درک مطلب از راه، خواندن را به آنان بیاموزند، سپس از آنها بخواهند که متن خوانده شده را به صورت نوشتاری، به زبانی دیگر ترجمه کنند.

آنچه مسلم است، در خواندن یک متن فضا، محتوی و موضوع آن متن، در مفاهیم واژه‌ها تأثیرپذیرند. بدین معنا که واژه‌ای ممکن است در جمله‌ای بازرگانی، مفهومی غیر از آنچه در مکالمه متداول دارد، پیدا کند. به عنوان مثال: وقتی گفته می‌شود:

This car wasn't exactly a steal at this price , but it's still a good value.

که لغت steal مفهومی تجاری دارد و به معنای «کالایی ارزان» است و با معنای متداول

آن که «دزدی یا دزدیدن» است تفاوت دارد، و یا اصطلاح to go در جمله:

Do you want it to go or will you eat it here ?

معنای رایج «رفتن» تفاوت دارد.^۱

۱. مثال‌ها از فرهنگ موضوعی محاوره‌ای امریکایی تألیف Richard A. Spears گرفته شده است.

تضاد بین خواندن "دیداری" و خواندن "شنیداری" ^۲ در آموزش زبان دوم

خواندن هم از طریق «دیداری» صورت می‌پذیرد که در آن به محض مشاهده واژه، مفهوم آن در ذهن نمایان می‌شود و هم از طریق «شنیداری» یا «آوایی» وجود دارد. (بورکن، ۱۹۷۹، ص ۳۴).

در خواندن دیداری، مشاهده نگاره حروف، مفاهیم را بی‌درنگ به ذهن خواننده منتقل می‌کند و فکر او را در ارتباط مستقیم با فکر نگارنده متن قرار می‌دهد که در واقع پاسخی است برای آنچه در برابر دیدگانش نقش می‌بندد. در خواندن شنیداری، نگارش حروف در ارتباط با «واحد‌های آوایی»^۳ که برای هر یک از این حروف وجود دارد، قرار می‌گیرند که این آواها به‌طور مستقل هیچ مفهومی ندارند و تقویت این نوع خواندن برای زبان‌آموز نیز توصیه نمی‌شود، زیرا باعث می‌شود که خواندن دیداری سرعت خود را از دست بدهد و در نتیجه خواننده خسته شده، متن را کنار بگذارد. آیا باید به این نتیجه رسید که خواندن شنیداری را بطور مطلق حذف کرد؟ خیر، به خاطر این‌که آنچه باعث می‌شود مطلبی برای طولانی مدت در حافظه باقی بماند، خواندن شنیداری است.

در ارتباط با این نوع خواندن اشاره می‌کنیم به جمله زاویالوف که می‌گوید: «درک و تحقق این مفهوم از خلال واژه‌ها و گروه کلمات که در کنار هم قرار می‌گیرند، به این معنا نیست که در خواندن به هیچ‌وجه نباید به جنبه «حسی» واژه‌ها توجه کرد. در این صورت هیچ چیز در ذهن ما باقی نمی‌ماند» (زاویالوف، ۱۹۹۰، ص ۴۸). یعنی همچنان‌که در بالا ذکر شد، خواندن شنیداری که نوعی خواندن حسی است، نباید به کلی حذف شود. ولی آنچه مهم است، این‌که به زبان‌آموز پیاموزیم تا هنگام خواندن، قلمرو مطلبی را که می‌خواند، خوب درک کرده و در مواجهه با متن، از اطلاعات پیشین خود درباره فضای مربوط به متن مدد بگیرد، تا بتواند آن را بهتر درک کند. این اطلاعات الزاماً در زبان خارجی نیست، می‌تواند از زبان مادری نیز به کمک او بیاید. در آموزش زبان خارجی به بزرگسالان، زبان آموزان در زمینه‌های

1 - Observational

2 - Listening

3 - Phonic units

مختلف در زبان مادری اطلاعاتی کسب کرده‌اند، ولی مشکل این است که چگونه این اطلاعات کسب شده از زبان مادری به زبان دوم انتقال پیدا کند و زبان آموز را یاری دهد.

در زمینه آموزش خواندن در زبان دوم، زبان‌شناسانی چون مواران (Moirand، ۱۹۹۰)، لمان (Lehmann، ۱۹۸۰) و وینیه (Vigner، ۱۹۷۹) در مقالات و کتاب‌هایشان به کرات اشاره به این نموده‌اند که هدف اصلی از آموزش خواندن زبان بیگانه، این است که به خواننده متن شیوه خواندن متن را بیاموزیم تا بتواند هر چه سریع‌تر مفهوم نشانه‌ها را در ترکیب با یکدیگر درک کند، نه هر واژه را به صورتی مجزا، یعنی همان روشی را که در خواندن یک متن به زبان مادری به کار می‌گیریم، در خواندن متون به زبان خارجی نیز در پیش بگیریم.

خواندن در زبان بیگانه نوعی فعالیت ارتباطی است

خواندن همچنین نوعی برقرار کردن ارتباط است، ولی ارتباطی که در آن مخاطب خواننده حضور ندارد. پس تفاوت ارتباط در خواندن با ارتباط در مکالمه این است که در دومی، شخص آزادی لازم را ندارد و باید به نسبت گفته‌های مخاطبش، اندیشه‌هایش خویش را تنظیم کند، ولی در ارتباطی که در خواندن بین خواننده و نگارنده متن به وجود می‌آید، خواننده در برداشت از متن مقاله آزادی کامل دارد، اما بطور غیرارادی در چارچوب مفهوم کلی متن، باقی‌مانده فرضیات خارج از متن را از ذهنش بیرون می‌راند. بدین معنا، خواندن تنها فعالیتی است که در آن خواننده در برابر پیامی که به زبان بیگانه بیان شده، در انزوا قرار دارد، گرچه آزادی مطلق در مفهوم بخشیدن به متن را داراست، ولی این آزادی در بند چارچوب کلی متن است. در این پیام، نه تنها پیام دهنده غایب است، بلکه زبان بیگانه هم چندان برایش مفهوم نیست، در نهایت می‌توان گفت که در خواندن یک متن، خواننده می‌داند که آن متن مختص او نوشته نشده است، بلکه برای افرادی نوشته شده که تسلط کامل به آن زبان را دارند و این اوست که می‌باید کشف رمز کرده و زبان پیام را خوب درک کند. (کراشن و ترل، ۱۹۸۳، ص ۶۳) راهبرد ارتباطی خواندن را به قرار ذیل خلاصه کرده‌اند:

«برای درک معنا بخوان. دنبال معنای هر لغت نگرد. معنا را حدس بزن و از متن استفاده

تعداد متونی که فقط برای خوانندگان خارجی نوشته شده‌اند اندک‌اند. بعضی روزنامه‌های بین‌المللی که خواننده‌هایی از زبان‌های متفاوت در دنیا دارند، شاید زبان و فضایی را در متن بکار برند که برای فرهنگ‌های بیگانه ملموس‌تر باشد، ولی بطور کلی خوانندگان این متون نیز به اندازه کافی با زبان و فرهنگ آن روزنامه‌ها آشنا نیستند تا بتوانند از متون آن روزنامه‌ها درکی چون درک یک خواننده بومی داشته باشند.

بنابراین خواندن به زبان بیگانه، یعنی شکستن قفل‌ها و نفوذ کردن در یک سیر خواندن که در آن دریافت‌کننده مخاطب اصلی نیست. ولو در زمره خوانندگان متن قرار گیرد، مگر این که خود را فعال سازد. او باید موضع یک خواننده بومی زبان را اختیار کند و این موضع او را بر آن می‌دارد که هر چه بهتر در صدد درک مطلب باشد.

هدف از آموزش خواندن در یک زبان بیگانه، جز این نیست که خواننده زبان بیگانه هرچه بیشتر به یک خواننده زبان اصلی تبدیل شود. ولی چگونه باید او را به سوی کسب این توانش لازم رهنمون کرد؟ چنانچه بپذیریم که زبان‌آموز محور مرکزی، آموزش خواندن به یک زبان بیگانه و هدف نهایی نیز تسلط او بر این زبان است، باید دید چگونه می‌توان از او خواننده‌ای ساخت که توان برقراری ارتباط با متن را داشته باشد؟ برای این که دانشجوی مطلبی را درک کند، آشنایی به کدهای زبان‌شناختی زبان بیگانه کافی نیست، بلکه شناخت کدهای جامعه‌شناسی و فرهنگی آن زبان نیز در این مسئله دخیل‌اند. همچنین چون درک مطلب در برخورد با متنی به زبان بیگانه، به زبان‌آموز و هدف نهایی او بازمی‌گردد، بنابراین باید نیازها، معلومات عمومی، توانایی‌های اندیشیدن، انگیزه‌ها و عواطف وی را در آموزش خواندن داشته باشیم. بدیهی است که اگر زبان‌آموزی در زبان مادری خود، بر مطلبی اشراف داشته باشد، می‌تواند در خواندن متنی در همان زمینه ولی به زبان بیگانه، آن مطلب را بیشتر درک کند. می‌دانیم که هر دانشجویی در خواندن یک متن به زبان مادری، چنانچه زمینه بحث برایش ملموس باشد و به عبارتی در ارتباط با رشته تحصیلی‌اش باشد، آن متن را بهتر درک می‌کند. در زبان بیگانه نیز همین مطلب صدق می‌کند. به عنوان مثال، دو دانشجویی از دو رشته مختلف را در نظر بگیریم که سطح دانش‌شان از یک زبان بیگانه، تقریباً یکسان باشد، ولی هریک از این دو دانشجویی، مطلبی را که موضوعش به رشته تحصیلی او مربوط است، بهتر از دیگری درک

می‌کند، هر چند معلومات او از زبان بیگانه به اندازه دیگری باشد.

خواندن در کلاس درس

اگر منظور از خواندن، نوعی فعالیت ارتباطی است، پس خواندن در کلاس درس، چه جایگاهی دارد؟ باید به این نکته توجه داشت که خواندن در کلاس، درس متفاوت از خواندن انفرادی است. به خاطر مسائل مختلفی که در کلاس وجود دارد، خواندن یک متن ممکن است عاری از لذتی باشد که همان متن در خواندن انفرادی در خواننده به وجود می‌آورد. متنی را که در کلاس درس برای دانشجو انتخاب می‌کنیم، متنی گزینشی است، چه از نظر تعداد واژه‌ها و چه از نظر ساختار متن.

غالباً مدرسان زبان، متونی را برمی‌گزینند که از یک متن کلی جدا شده و فقط بخشی از آن را ارائه می‌کنند، گرچه ممکن است این بخش مطالبی مستقل را ارائه کند و یا مثلاً مقدمه‌ای از یک کتاب باشد، ولی بی‌ارتباط با پیش‌متن و پس‌متن خود نیست، در نتیجه مدرس نیازمند به دادن یک سلسله توضیحات کلی برای دانشجو است که قبل از خواندن متن، این توضیحات صورت می‌گیرد. این عمل، زبان‌آموز را آماده پذیرش متن می‌کند. اما به هنگامی که او خود به سراغ یک متن روزنامه‌ای یا یک مقاله می‌رود، این آمادگی را باید در خود برای درک مطالب متن ایجاد کند. در انتخاب متن کلاسی، چون زبان‌آموز نقشی ندارد، ممکن است انگیزه اولیه نیز آن طور که باید در او پدید نیاید. همچنین برای بعضی‌ها ممکن است خواندن و پاسخ‌گویی در حضور دیگران، دلهره‌آور باشد که در نتیجه سکوت و کناره‌گیری را اختیار کنند (ویلیس، ۱۹۹۱، ص ۹۴) با وجود این، آموزش خواندن در کلاس باید انجام گیرد. عمل خواندن از بسیاری نظرها، بخاطر تبادل افکار و تعامل بین دانش‌آموز و معلم، سازنده است و با این روش دانش‌آموز می‌تواند اطلاعات جمعی را به دانسته‌های فردی خود بیافزاید. افزون بر این، کلاس محلی است که دانش‌آموز می‌تواند نقاط ضعف و قدرت خود را با نظارت معلم دریافته و همگام با سایرین در مسیر پیشرفت قرار گیرد. (نر، ۱۹۹۶، ص ۸۶)

از متخصصان دیگری که مدافع خواندن در کلاس و فعالیت‌های جمعی آن‌اند، باید به

افراد زیر اشاره کرد:

براون (۱۹۹۴)، داف (۱۹۹۲) و ریورز (۱۹۷۸) که همگی بر آموزش درست خواندن به زبان آموز در کلاس، و تعلیم عادت خوب خواندن به او و اجتناب از خواندن بی ثمر تأکید داشته‌اند.

خواندن را در مفهوم کلی به سه بخش تقسیم کرده‌اند: پیش‌خوانی^۱، خواندن و پساخوانی^۲. مقصود از پیش‌خوانی ایجاد انگیزه برای زبان آموز در انجام تکالیف وی، بویژه خواندن زبان و آمادگی قبل از ورود به کلاس است. منظور از خواندن، تداوم عمل خواندن است به صورتی فعالانه که شامل کل مراحل خواندن: «دیداری»، «شنیداری»، تکاملی یا تندخوانی برای استخراج ایده‌های اصلی متن^۳ و همچنین کسب اطلاعات ویژه^۴ است. پساخوانی که اشاره به توجه زبان آموز به متنی دارد که خوانده شده و باید به‌طور مستمر معطوف خواندن دوباره گردد، تا بهتر و عمیق‌تر آن را درک کند.

در مرحله خواندن، تأکید اصلی باید بر فرایند خواندن قرار گیرد تا فراورده آن. حدس زدن، لب‌خوانی نکردن، بر معنا تکیه کردن، بلند خواندن، بر لغات دشوار متن مکث نمودن و به عقب برنگشتن، ترجمه و تفسیر به زبان مادری نکردن، جزء فرایند خواندن محسوب می‌شوند. از کسانی که از دیر باز روی روانشناسی خواندن و گفتار تأکید داشته‌اند، از گودمن (۱۹۶۸) باید نام برد.

مشکل واژه‌ها در خواندن متون به زبان بیگانه

اکثر زبان آموزان ادعا می‌کنند که در خواندن متون بیگانه با مشکل درک واژه‌ها مواجه‌اند. گاهی توضیحاتی که درباره متن از معلم می‌خواهند به حدی زیاد است که معلم ترجیح می‌دهد از آموزش آن متن صرف‌نظر کند. خود زبان آموز نیز آن چنان درگیر لغات می‌شود که گاهی از متنی که در برابر خود دارد دلزده می‌شود و آن را رها می‌کند. به همین دلیل است که در ابتدای آموزش یک زبان امتیاز بیشتری به رویکرد ارتباطی برای فراگیری زبان داده می‌شود. یعنی

-
- 1- Pre- reading
 - 2- Post- reading
 - 3- Skimming
 - 4- Scanning

رویکردی که در آن کاربرد زبان در ابعاد مختلف، با توجه به توانایی‌های متفاوت در زبان‌آموز چون توانایی‌های گفتاری (در درجه نخست)، نوشتاری، تفکر و غیره مد نظر است. (کست، ۱۹۹۵، صص ۷۳-۶۵)

اکثر متونی که در آموزش زبان دوم به دانشجویان رشته‌های مختلف ارائه می‌شود در ارتباط با رشته آموزشی آن‌ها بوده و غالباً متونی است حاوی اطلاعات لازم در زمینه‌های متفاوت، یعنی متن بیش از آن که روایی باشد، اطلاعاتی است. در برابر این متون، زبان‌آموزان بیشتر به جنبه‌های اطلاعاتی متن توجه دارند، تا جنبه‌های تفسیر شده از اطلاعات. علاوه بر مشکلات دستوری و واژه‌ای برای درک کامل یک متن، ساختار مفهومی یک متن نیز اهمیت خاصی دارد.

آنچه در آموزش اولین تلاش‌ها جهت خواندن متون باید مدنظر باشد:

- الف- خواندن متن و درک آن از همان ابتدای آموزش زبان، این مهارت باید تقویت گردد هر چند اگر زبان‌آموز اطلاعات واژه‌ای و دستوری لازم برای درک متن را دارا نباشد.
- ب - در خواندن و درک یک متن، باید از دانسته‌های زبان‌آموز در زبان مادری کمک گرفت تا انگیزه لازم در وی پدید آید.
- ج - یکی از روش‌هایی که تسهیلات زیادی در خوب خواندن و درک متن به وجود می‌آورد، تشکیل کارگاه‌های خواندن است که در آن زبان‌آموزان بطور گروهی مطالبی را خوانده و درباره آن گزارش‌هایی تهیه می‌کنند و آن‌ها را در اختیار هم قرار می‌دهند.
- د- باید متونی در اختیار زبان‌آموزان گذارده شود که تا حد امکان متعدد و گوناگون باشد. بدین ترتیب زبان‌آموز حق انتخاب بیشتری دارد و در برابر متون متنوع‌تری قرار می‌گیرد. هر چه دامنه این تنوع بیشتر باشد، امکان آشنایی با انواع نوشته‌ها در متن برای زبان‌آموز بیشتر است. گزینش موادی که به عنوان متن برای دانشجو به عمل می‌آید، باید ناظر بر متن و ابعاد آن بوده، تا آن‌که زبان‌آموز در مراجعه به آن قادر به ارزشیابی مهارتش در خواندن و توانش درک مطلوب آن باشد، باید نه خیلی کوتاه و نه خیلی بلند انتخاب شوند.
- انتخاب متن نباید با این پرسش آغاز شود که چرا آن را برگزیدیم؟ بلکه پس از خواندن

یک متن است که باید این سؤال مطرح شود که آیا متن جوابگوی انتظار او بوده یا نه؟ کاملاً طبیعی به نظر می‌رسد که زبان‌آموز با متنی سر و کار داشته باشد که در وهله اول نتواند از آن بهره گرفته و با آن ارتباط برقرار نماید، ولی به تدریج و با تمرینات متعدد مهارت او تقویت خواهد شد.

انتخاب متن همواره بایستی تغییر یافته و بر پایه سیر پیشرفت مسائل علمی، مطالبی نو و اطلاعاتی جدید ارائه نماید، در واقع کاری که هم‌اکنون در همه کشورهای مرفعی سالیانه انجام می‌شود. بنابراین اساس محتوای بسیاری از مطالبی که هم‌اکنون با عنوان ESP به دانشجویان تدریس می‌شود، نه تنها تازه نیست، بلکه در بسیاری موارد طولانی، بی‌ارتباط، کسل‌کننده و از همه مهم‌تر کهنه و قدیمی است. بنابراین توصیه می‌شود برای ایجاد کشش و علاقه در زمینه خواندن متون در زبان‌آموز، مدرس ESP به کتاب‌های موجود در ایران اکتفا نکرده، متون مستخرج از مطبوعات و اینترنت را نیز در اختیار دانشجویان قرار دهد.

بطور کلی تقویت مهارت خواندن نه تنها در آموزش زبان بیگانه کاری است لازم، بلکه در آموزش زبان مادری نیز نقشی اساسی در درک مطالب دارد که گاه این مهارت، از زبان مادری به زبان بیگانه منتقل می‌شود (سوشون، ۱۹۸۹، ص ۳۶). هر زبان‌آموز که مهارت خواندن را فرا گرفته باشد، چه در زبان بیگانه، چه در زبان اصلی خود، قادر خواهد بود بر طبق آنچه در برخورد با یک متن آموخته است، راهبردش را در خواندن تقویت کند، تا امکان درک صحیح از متون مختلف را داشته باشد.

نتیجه‌گیری

همچنان که ملاحظه شد، اهمیت لزوم فراگیری مهارت‌های زبان، بحثی است طولانی، بنابراین برای پرهیز از اطاله کلام، در این مقاله تنها مهارت خواندن مورد سنجش قرار گرفته است. چرا؟ بی‌تردید برای این که بیشتر مورد نیاز زبان‌آموزان و به ویژه دانشجویان می‌باشد. از آزمایش‌های حاصله چنین برمی‌آید که بیشترین توجه آن‌ها بر خواندن معطوف گشته است. در میان مهارت‌های یادگیری، خواندن را فعالیت دریافتی دانسته‌اند تا تولیدی که به روشی غلط نباید متکی بر ورق زدن مصرائه فرهنگ لغات باشد. در این مقاله تأکید شده است

که زبان‌آموز باید بیاموزد تا با خواندن نه تنها به عنوان پدیده‌ای دریافتی برخورد کند، بلکه به صورت تولیدی نیز تعامل داشته باشد. حتی وقتی که بعضی از لغات، پایانه‌ها و الگوها به فوریت معنادار نباشند، باید فراگیرد که از آن‌ها رد شده و جز در موارد کلیدی، فقط به درک معنای لغات نپردازد.

هدف از خواندن که بارها بدان اشاره شده است، رسیدن به سطح اعتماد به نفس، درک لغزش‌ها و خطاهای موقتی و چیره شدن به آن‌هاست. فرایند خواندن برای نیل به سهولت خواندن، روان شدن، و حصول به معنای کلی، نویسنده باید همچنان مورد توجه زبان‌آموز بوده و نیز در کلاس درس جایگاه ویژه خود را داشته باشد.

خواندن همواره با دریافت معناست، در غیر این صورت مفهومی نمی‌تواند داشته باشد. بعضی نظریه‌پردازان بر این باورند که معنا در خود متن وجود دارد اما دیگران معتقدند معنا فرآورده تعامل خواننده است با متن، به عبارت دیگر، پردازش اطلاعات قبلی ذخیره شده در ذهن با افزوده‌های جدید (آندرسن و پیرسون، ۱۹۸۴، ص ۱۱۴).

تردید نیست که خواندن متن، برای زبان‌آموزان بویژه دانشجویان، کاری است لازم و مورد توجه، بنابراین دقت انتخاب در متون باید به گونه‌ای باشد که سبب دلسردی و دلزدگی زبان‌آموز نشده و ارتقاء سطح اطلاعات او را فراهم آورد، که اشاره به این نکته در این مقاله بر آن تأکید شده است. بنابراین دقت در گزینش متون با استفاده از وسائل مدرن آموزشی که بتواند زبان‌آموز را در جریان پیشرفت آخرین دستاوردهای علمی بشر قرار دهد، با بهره‌گیری از فنون خواندن از دیگر ابزار تأکید شده در این مقاله است.

منابع

- ۱- برزآبادی فراهانی، داوود، *انگلیسی برای اهداف ویژه از نگاه دانشجویان و آمار*، پژوهش زبان‌های خارجی، شماره ۱۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۲.
- 2- Alderson, J., *Guidelines for the Evaluation of Language Education*. In J. Alderson and A Beretta, 1992.
- 3- All Wright, R., *What do we want teaching materials for ?* ELT Journal 36 5-18, 1981.

- 4- Anderson, R.C., and Pearson, P.D., *A Schema – Theoretiv View of Basic Processes in reading Comprehension* . In P.D. Pearson (ed.)A Handbook of Reading Research. New York: Longman,1984.
- 5- Bassnett-Mcguire, S., *Transalation Studies*, London, Methuen, 1980
- 6- Berwick, R., *Task variation and Repait in English as a Foreign Language*, Kobe University of Commerce : Institute of Economic Research, 1990.
- 7- Besse, H., *The Pedagogic authenticity of a text, in the teaching of Listening comprehension* London, the British Council Ed.E.L.T,1984
- 8- Bourquin, J., *Problèmes linguistiques et Psycholinguistiques* in Cahiers du Crelef N.Q, 1979
- 9- Brown, D., *Principles of Language Learning and Teaching* 3rd.ed.New Jersey: Prentice Hall.Inc , 1994.
- 10- Caron , J., *Précis de Psycholinguistique*, P.U.F.Paris, 1987.
- 11- Cook, V., *Second Language Learning and Language Teaching*, Creat Britain, 1991.
- 12- Coste, D., "Lire le sens" in *Le Français dans le Monde*, n ° 109, dec 74, 1974
- 13- Doff, A., *Teach English*. Creat Britain: Cambridge University Press, 1992.
- 14- Eco,U. , *Le rôle du lecteur*, Grasset- Fasquelk , 1985.
- 15- Hopkins, A., *Revolutions in ELT materials? In modern English teacher*. 4 An earlier version was first Published in MATSDA Folio (2), November, 1994.
- 16- Krashen, S., *Priciples and Practice in Second Language Acquisition*. Oxford : Pregamon, 1982.
- 17- Krashen , S., and Terrel, T . D., *The Natural Approach*, Pergamon,1983.
- 18- Lehmann, D., *Lecture fonctionnelle de textes de spécialité* . Credif- didier,coll. V. C., 1980.
- 19- Moirand, S., *Une grammaire des textes et des dialogues*. Hachett,Coll.F,

- 1990.
- 20- Mosallanejad, P., *Methodology of teaching Foreign Languages* , Tehran : MO asses- ye Farhangi ,1999.
- 21- Richards, J., and. Lockhart. C., *Reflective Teaching in Second Language classroom* . Cambridge: Cambridge U niversity Press, 1994.
- 22- Richards, J., and Rodgers ,T., *Approches and Methods in Language Teaching* , Cambridge: Cambridge University Press.
- 23- Spears, R. A., *NTC's Thematic Dictionary of American Slang* . NTC Publishing Group, 1993.
- 24- Souchon, M., *Le point de vue du lecteur Comment mettre en évidence le rôle et la place du lecteur-recepteur dans une activité de lecture* in Bulletin de Français Instrumental. N. S, 1989.
- 25- Ur. P., *A Course in Language Teaching* , Britaine : Cambridge University Press, 1996.
- 26- White, L., *Universal Grammar and second Language Acquisition* , Jhon Benjamins, 1989.
- 27- Wills, J., *Teaching English Through English* , ESSEX: Longman , 1991.
- 28- Zavialoff, N., *La lecture* , L'Harmattan , Coll , Conversciences, 1990.